در محضر استاد (۳)

چهار مقاله دربارهٔ آزادی

آیزایا برلین

ترجمهٔ محمدعلی موحد

هدف مجموعه مقالات «در محضر استاد» این است که مترجمان را با نمونه‌های عالی نثر ترجمه‌ای فارسی آشنا کنیم. نثر ترجمه‌ای فارسی ارتباطی تام و تمام با نثر تألیفی و مدرن فارسی دارد به این معنی که بدون آشنایی با نثر تألیفی فارسی نمی‌توان به نثر ترجمه‌ای خوبی رسید. برخی از مترجمان که متون غیرداستانی ترجمه می‌کنند متأسفانه نه نثر تألیفی فارسی می‌خوانند و نه الگوهای شاخص نثرنویسی را می‌شناسند. اینها حتی با نثر ترجمه‌ای بهترین مترجمان ما نیز آشنا نیستند چون الگوی آنها ظاهراً متن اصلی است و تمام تلاش آنها این است که آن متن را عیناً به فارسی منتقل کنند بدون اینکه به سنت نثر فارسی اعم از تألیف و ترجمه و قابلیت‌های زبان فارسی در عرصهٔ نثر توجه کنند. در این شماره سراغ استاد محمدعلی موحد رفته‌ایم، نویسنده و مترجمی بزرگ که نثر فارسی را به‌خوبی می‌شناسد و می‌نویسد. ببینیم استاد بااینکه بسیار دقیق ترجمه می‌کند در ترجمهٔ نثر انگلیسی چگونه حال‌وهوای نثر فارسی را حفظ کرده و ترجمهٔ او چقدر به تألیف نزدیک است.

1. If men never disagreed about the ends of life, if our ancestors had remained undisturbed in the Garden of Eden, the studies to which the Chichele Chair of Social and Political Theory is dedicated could scarcely have been conceived. For these studies spring from, and thrive on, discord.

اگر آدمیزادگان دربارهٔ هدف‌های حیات به یکسان می‌اندیشیدند، و اگر نیاکان ما همچنان در بهشت عدن قرار و آرام داشتند، تصورمطالعه و بررسی دربارهٔ نظریات سیاسی و اجتماعی که کرسی چیچل اختصاص به آن دارد به آسانی ممکن نمی‌بود. چه این مباحث زاییده و پروردهٔ اختلاف‌نظر است.

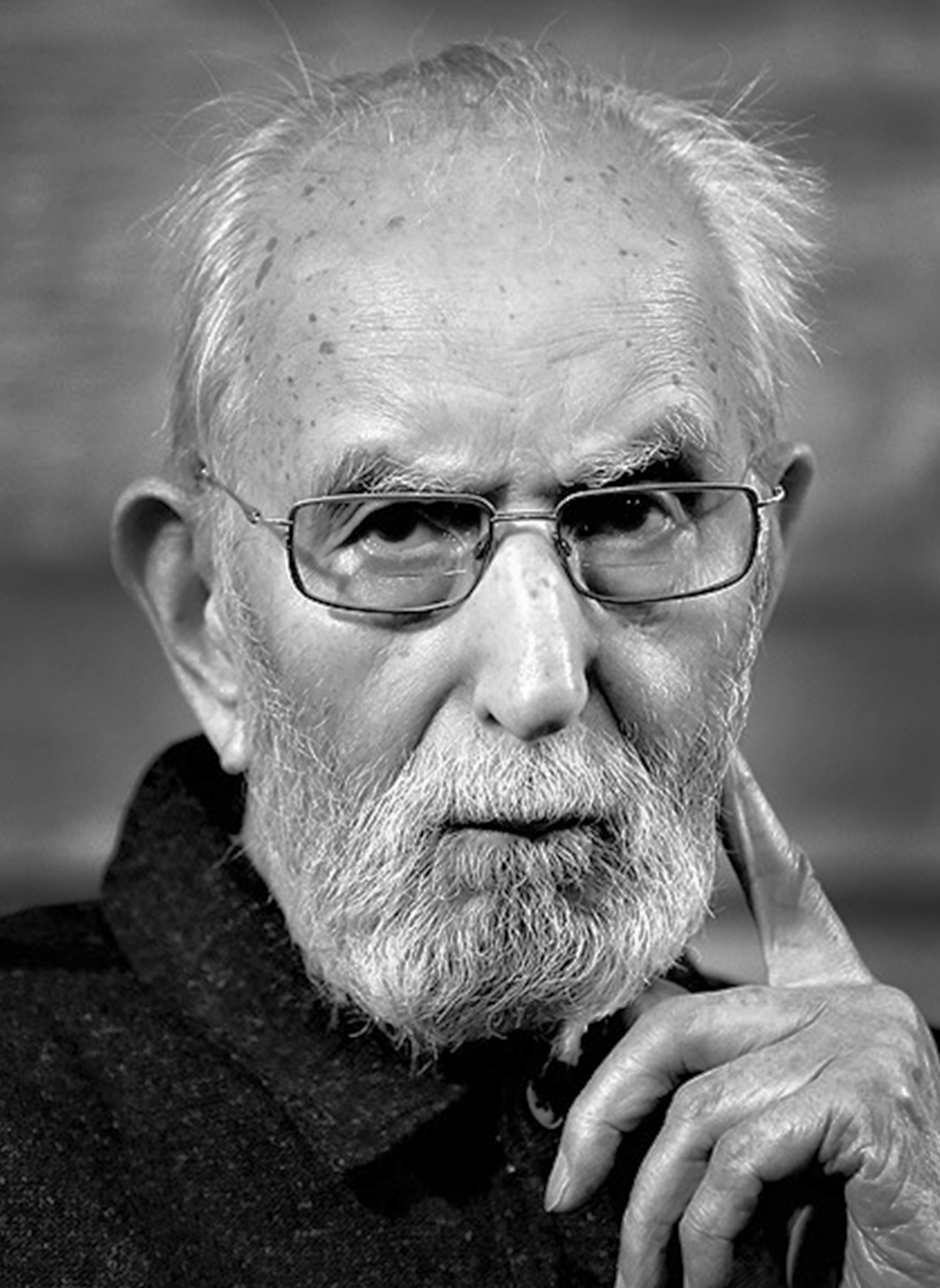

توضیح: دو جملهٔ شرطی اول که به‌صورت سلبی آمده در ترجمه به‌صورت ایجابی ترجمه شده‌اند. برعکس، مترجم قید منفی scarcely را به‌جای اینکه «به‌ندرت» ترجمه کند، با تعبیر مثبت «به‌سادگی» و فعل منفی «ممکن نمی‌بود» ترجمه کرده است. هدف مترجم از همهٔ انتخاب‌های خود، چه کوچک چه بزرگ، این بوده که متنش بی جهت رنگ‌وبوی ترجمه پیدا نکند. اگر این دوجملهٔ شرط را عین جملهٔ اصلی ترجمه کرده بودیم، حاصل چیزی شبیه به جملهٔ زیر می‌شد: «اگر انسان‌ها دربارهٔ اهداف زندگی هرگز به توافق نمی‌رسیدند، و اگر نیاکان ما بی هیچ دردسر در باغ عدن مانده بودند». شاید برخی مترجمان بگویند نیازی به این تغییرات نیست ولی مترجمی که در حین ترجمه «فارسی» می‌اندیشد طبعاً طوری انتخاب می‌کند که انگار دارد فارسی تألیف می‌کند.

مترجم دخالت دیگری هم در متن اصلی کرده و آن اینکه عبارت «کرسی نظریه‌های اجتماعی و سیاسی چیچل» را به «کرسی چیچل» تقلیل داده ولی نظریه‌های اجتماعی و سیاسی را در دل جمله آورده است.

تعبیر انگلیسی conceive معادل دقیق فارسی دارد و آن «تصورکردن» است؛ یا به تعبیر علما: «حصول صورت چیزی در عقل». ترکیب «زاییده و پرورده» احاطهٔ مترجم به تعبیرات غنی فارسی را نشان می‌دهد.

> 2. Someone may question this on the ground that even in a society of saintly anarchists, where no conflicts about ultimate purpose can take place, political problems, for example constitutional or legislative issues, might still arise. But this objection rests on a mistake.
>
> شاید کسانی در این سخن تردید روا دارند و چنین استدلال کنند که حتی در میان سرسخت‌ترین آنارشیست‌ها هم ـــ که اختلاف‌نظری دربارهٔ هدف نهایی نمی‌توانند داشت ـــ ممکن است بحث‌هایی (مثلاً در زمینه‌های مربوط به حقوق اساسی یا قانونگذاری) بروز کند. لیکن این ایراد مبتنی بر اشتباه است.

توضیح: «تردید روا داشتن» معادل فارسی خوبی برای فعل question یا «زیر سؤال بردن» است. برای برخی مترجمان کاربرد فعل «زیر سؤال بردن» آن‌قدر طبیعی است که انگار این مفهوم و اصطلاح مربوطه هرگز در فارسی وجود نداشته است.

به گمان من عبارت «سرسخت‌ترین آنارشیست‌ها هم ... که اختلاف نظری دربارهٔ هدف نهایی نمی‌توانند داشت» ترجمهٔ نادرستی است زیرا رابطهٔ منطقی میان «سرسخت بودن آنارشیست‌ها» و «اختلاف‌نظر نداشتن دربارهٔ هدف نهایی» چندان روشن نیست، ضمن اینکه

معلوم نیست چرا saintly «سرسخت» ترجمه شده و اصلاً مراد از این آنارشیست‌ها چه کسانی هستند؟ تعبیر «آنارشیست مقدس» را نیچه درخصوص عیسی مسیح به کار برده است و با توجه به جملهٔ قبل که در آن سخن از باغ عدن است احتمال می‌دهم که منظور از «آنارشیست‌های مقدس» همان پیامبران باشد، یعنی اگر همهٔ پیامبران در جامعه‌ای جمع بشوند و بخواهند حکومتی تشکیل بدهند، بر سر هدف نهایی اتفاق‌نظر دارند، ولی طبعاً در مرحلهٔ تشکیل حکومت مسائلی بروز می‌کند.

3. Where ends are agreed, the only questions left are those of means, and these are not political but technical, that is to say, capable of being settled by experts or machines like arguments between engineers or doctors.

چه هرگاه درمورد «غایت» توافق حاصل شود، آنچه باقی می‌ماند مسئله «طریق» است که نه مسئله‌ای سیاسی بلکه فنی است. بدین معنی که حل آن باید بر عهده کارشناس و ماشین گذاشته شود، درست مانند اختلافاتی که در میان پزشکان و مهندسان مطرح می‌شود و حل و فصل می‌گردد.

توضیح: عبارت «چه» در آغاز جمله، رابطهٔ منطقی میان این جمله و جملهٔ قبل را بارزتر نشان می‌دهد. دو معادل «غایت» و «طریق»، در مقایسه با «وسیله» و «هدف»، از حیث معنی دقیق‌تر نیستند، ولی قطعاً تناسب بیشتری با نوع متن و فضای بحث و انتظار خواننده دارند؛ به عبارت دیگر، این دو معادل از فرهنگ لغت انتخاب نشده‌اند، بلکه از متن‌های مشابه فارسی بیرون آمده‌اند.

بخش دوم جمله را می‌توان این‌گونه نوشت: «بدین معنی که حل آنها، مثل حل اختلافاتی که در میان پزشکان و مهندسان به‌وجود می‌آید، باید بر عهدهٔ کارشناس و ماشین گذاشته شود.» در واقع در متن اصلی، عبارت settled by experts or machines هم به مسائل سیاسی برمی‌گردد و هم به مسائلی که میان پزشکان و مهندسان پیش می‌آید.

4. That is why those who put their faith in some immense, world-transforming phenomenon, like the final triumph of reason or the proletarian revolution, must believe that all political and moral problems can thereby be turned into technological ones.

به همین جهت آنان که به ظهور پدیده‌ای عظیم مانند پیروزی نهایی عقل یا انقلاب پرولتاریا ایمان دارند و معتقدند که با ظهور آن عالم دگرگون خواهد شد، باید قبول داشته باشند که در

آن عالم همهٔ مسائل سیاسی و اخلاقی به‌صورت مسائل فنی درخواهد آمد.

توضیح: ترجمهٔ صفت مرکب world-transforming به یک جمله، نوعی تغییر بیان اجباری است. همچنین می‌توان به‌جای فعل ایستای «ایمان دارند»، مثل متن اصلی، از فعل پویای «ایمان پیدا می‌کنند» استفاده کرد.

5. That is the meaning of Saint-Simon's famous phrase about "replacing the government of persons by the administration of things", and the Marxist prophecies about the withering away of the state and the beginning of the true history of humanity.

و این همان گفتهٔ مشهور سن سیمون است که از «برقراری ادارهٔ اشیاء به‌جای حکومت بر انسان‌ها» سخن می‌گوید، و نیز همین است معنی آنچه مارکسیست‌ها دربارهٔ زوال تدریجی دولت و آغاز تاریخ راستین بشر پیشگویی می‌کنند.

6. This outlook is called utopian by those for whom speculation about this condition of perfect social harmony is the play of idle fancy.

آنان که اندیشهٔ وصول به این مایه از کمال در هماهنگی و یکدستی اجتماع را خیالبافی بیهوده می‌دانند این آرمان را «ناکجاآباد» (اوتوپی) نامیده‌اند.

توضیح: ترجمهٔ استادانهٔ جملهٔ فوق با انجام تغییراتی درست و لازم ممکن شده است: جملهٔ مجهول به معلوم تبدیل شده (آنان که). نیز speculation about this condition of به‌نحوی خلاق و زیبا به عبارت «اندیشهٔ وصول به» تغییر یافته است. ترکیب «خیالبافی بیهوده» نیز ترکیبی دقیق و پذیرفتنی است. مترجم با تبدیل صفت perfect به اسم، «کمال»، توانسته تعبیر نویسنده را به‌خوبی بیان کند.

7. Nevertheless, a visitor from Mars to any British–or American–university today might perhaps be forgiven if he sustained the impression that its members lived in something very like this innocent and idyllic state, for all the serious attention that is paid to fundamental problems of politics by professional philosophers.

بااین‌همه اگر فرض کنیم که یکی از ساکنان مریخ به یکی از دانشگاه‌های کنونی انگلستان یا آمریکا سری بزند و با ملاحظهٔ توجه فوق‌العادهٔ ارباب فلسفه به مسائل اساسی سیاست، تصور کند که آنان در عالمی از رؤیا و خیالبافی به‌سر می‌برند، در اشتباه خود معذور خواهد بود.

توضیح: جملهٔ نویسنده ۵۰ کلمه و جملهٔ مترجم ۴۵ کلمه است. این ایجاز فی‌نفسه حُسن

به حساب می‌آید، به شرط آنکه از مضمون کاسته نشده باشد. مترجم مضمون کلام نویسنده را به شکلی کاملاً متفاوت بازنویسی کرده. به تعبیر دیگر، جملهٔ نویسنده را در سطح جمله بازآفرینی کرده است. فقط یک اشکال در ترجمه دیده می‌شود و آن اینکه با حذف this ارتباط معنایی و منطقی این جمله با جملهٔ قبل تضعیف شده است. آوردن کلمهٔ «چنین» به‌جای this این ارتباط منطقی را برقرار می‌کند: «... تصور کند که آنان در چنین عالمی از رؤیا و خیالبافی به‌سر می‌برند.»

8. Yet this is both surprising and dangerous. Surprising because there has, perhaps, been no time in modern history when so large a number of human beings, both in the East and West, have had their notions, and indeed their lives, so deeply altered, and in some cases violently upset, by fanatically held social and political doctrines.

این وضعی است، هم شگفت‌انگیز و هم خطرناک؛ شگفت‌انگیز است زیرا در تاریخ جدید شاید کمتر روزگاری بوده است که افکار گروه‌های بزرگی از بشر، بلکه همهٔ زندگی آنها در سراسر جهان، تحت‌تأثیر آموزه‌های متعصبانهٔ اجتماعی و سیاسی، بدین‌سان در معرض تغییرات شگرف قرار گرفته و حتی در مواردی به‌کلی زیر و زبر شده باشد.

توضیح: ترجمه‌ای سهل و ممتنع. روشن و روان بی‌هیچ طعم ترجمه، ترجمه‌ای که مترجم از غایت استادی در آن نامرئی است. گذاشتن کلمهٔ «وضع» بجای this از اشراف مترجم به مضمون حکایت دارد. ساختار «شگفت انگیز است زیرا ...خطرناک است زیرا» در هر دو زبان فارسی و انگلیسی وجود دارد. ترجمهٔ Indeed به «بلکه» فوق العاده است، همچنان‌که عبارت «به‌کلی زیر و زبر شدن» به‌جای violently upset.

9. Dangerous, because when ideas are neglected by those who ought to attend to them – that is to say, those who have been trained to think critically about ideas – they sometimes acquire an unchecked momentum and an irresistible power over multitudes of men that may grow too violent to be affected by rational criticism.

خطرناک است زیرا در صورتی که نقد و سنجش عقاید و نظریات، از سوی کسانی که صلاحیت دارند – یعنی آموزش لازم را برای برخورد نقادانه با آنها دیده‌اند – به‌جد گرفته نشود، ممکن است آن عقاید نزد توده‌های انبوه مردم به نیروی محرکهٔ بی‌افسار و مقاومت‌ناپذیری تبدیل گردد و چنان قوت و شدت گیرد که دیگر هیچ‌گونه انتقاد منطقی در آن کارگر نیفتد.

توضیح: سخنی که دربارهٔ جملهٔ قبل گفتم، درخصوص این جمله نیز به‌راستی صادق است. با این تفاوت که مترجم در اینجا همان ترتیب بیان و همان تعبیرات نویسنده (مثلاً نیروی محرکهٔ بی‌افسار و مقاومت‌ناپذیر) را به کار گرفته و قالبی جدید و تعبیراتی متفاوت خلق نکرده ولی جمله کماکان از حیث معنی و منطق و روانی و روشنی بی‌نقص است. تعبیر «کارگر نیفتد» به‌جای (not) affected بسیار مناسب است. در مجموع مترجم کلمات و تعبیراتی انتخاب کرده که جدا از یکدستی و همخوانی با یکدیگر، از سطح رسمیت و وزانتی متناسب با موضوع و ژانر بحث و نیز سطح رسمیت و فخامت متن اصلی برخوردار است.

10. Over a hundred years ago, the German poet Heine warned the French not to underestimate the power of ideas: philosophical concepts nurtured in the stillness of a professor's study could destroy a civilization.

متجاوز از یکصد سال پیش، شاعر آلمانی هاینه، فرانسویان را از ناچیزشمردن نیروی معتقدات بر حذر داشت. نظریات فلسفی که در سکوت اتاق کار دانشمندی پایه‌ریزی می‌شود ممکن است تمدنی را به نابودی بسپارد.

11. He spoke of Kant's Critique of Pure Reason as the sword with which European deism had been decapitated, and described the works of Rousseau as the bloodstained weapon which, in the hands of Robespierre, had destroyed the old régime; and prophesied that the romantic faith of Fichte and Schelling would one day be turned, with terrible effect, by their fanatical German followers, against the liberal culture of the West.

هاینه کتاب «نقد عقل محض» کانت را شمشیری می‌نامد که بر گردن دیانت طبیعی اروپا فرود آمد؛ آثار روسو را سلاحی خونین می‌نامد که به دست روبسپیر رژیم کهن را از میان برداشت. او پیش‌بینی می‌کند که روزی عقاید رومانتیک فیخته و شلینگ به‌نحوی هولناک، از سوی پیروان متعصب آلمانی آنان، بر ضد فرهنگ آزادی‌گرایانهٔ غرب به کار گرفته خواهد شد.

12. The facts have not wholly belied this prediction but if professors can truly wield this fatal power, may it not be that only other professors, or, at least, other thinkers (and not governments or Congressional committees), can alone disarm them?

وقایعی که پس از هاینه اتفاق افتاد ثابت کرد که این پیش‌گویی‌ها پر بیجا نبوده است. اما اگر

به کار انداختن این نیروی ویرانگر در دست دانشمندان است آیا نباید فکر کرد که از کار انداختن آن هم منحصراً در توانایی دانشمندان و متفکران می‌باشد و از دولت‌ها یا کمیته‌های پارلمانی دراین‌باره کاری ساخته نیست؟

توضیح: مترجم عبارت the facts (وقایع تاریخی) را تصریح داده: «وقایعی که پس از هاینه اتفاق افتاد.» متن اصلی به یک پیش‌گویی هاینه اشاره می‌کند، نه به «پیش‌گویی‌ها». از این سهو که بگذریم، تعبیر فارسی «پر بیجا بودن» بسیار دقیق است.

13. Our philosophers seem oddly unaware of these devastating effects of their activities. It maybe that, intoxicated by their magnificent achievements in more abstract realms, the best among them look with disdain upon a field in which radical discoveries are less likely to be made, and talent for minute analysis is less likely to be rewarded.

فیلسوفان ما ظاهراً از آثار ویرانگرانهٔ فعالیت‌های خود بی‌خبرند. شاید سرگرمی با دستاوردهای شکوهمند در عوالم مجرد و انتزاعی، آنان را چنان مست و بیخود می‌سازد که زمینه‌هایی را که کمتر احتمال اکتشافات بنیادین در آن می‌رود و موشکافی‌ها بهرهٔ کافی به دست نمی‌دهند به دیدهٔ تحقیر می‌نگرند.

توضیح: در ترجمهٔ جملهٔ فوق مترجم اگرچه مضمون کلی را بیان کرده، ولی برخی جزئیات از قلمش افتاده است. ترجمهٔ فوق را مقایسه کنید با ترجمهٔ دقیق‌تر زیر: «عجب آنکه فیلسوفان ما از آثار ویرانگر فعالیت‌های خود بی‌خبرند. دلیل آن شاید این باشد که بهترین فلاسفه، که از دستاوردهای شکوهمند خود در عوالم انتزاعی‌تر سرمست شده‌اند، به عرصه‌هایی که در آنها کمتر احتمال اکتشافات بنیادین می‌رود و تحلیل‌های موشکافانه پاداش کافی به دست نمی‌دهد به دیدهٔ تحقیر می‌نگرند.»